

ایستاده در باد

نگاهی گذرا به حمایت‌های حضرت زهرا علیها السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام

به اهتمام: علی لباف

با همفکری: عدنان درخشان

زیر نظر: استاد محقق شیخ مرتضی فرج‌پور

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

* دورنمای مطالب

پیش‌گفتار

گفتار یکم: دورنمای حمایت‌های حضرت زهرا علیها السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام در هجوم اول

حمایت یکم = تحصن مخالفان ابوبکر در خانه فاطمه علیها السلام

حمایت دوم = احتجاج با مهاجمین

حمایت سوم = بیرون راندن مهاجمین از داخل خانه

حمایت چهارم = رها ساختن امیرالمؤمنین علیه السلام از چنگال مهاجمین

گفتار دوم: دورنمای حمایت‌های حضرت زهرا علیها السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام در فاصله هجوم اول تا هجوم اصلی

حمایت پنجم = استنصارهای شبانه

حمایت ششم = دعوت به جهاد مسلحانه در خطبه فدکیه

گفتار سوم: دورنمای حمایت‌های حضرت زهرا علیها السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام در حادثه خون‌بار هجوم اصلی

حمایت هفتم = احتجاج با مهاجمین

حمایت هشتم = مقاومت در برابر ورود مهاجمین به داخل خانه

حمایت نهم = مقاومت در برابر بیرون کشاندن امیرمؤمنان علیه السلام از خانه

حمایت دهم = رها ساختن امیرمؤمنان علیه السلام از چنگال خلیفه

روز شمار حوادث فاطمیّه

* آغاز مطالب

پیش‌گفتار

با رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله و غضب خلافت منصوصه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آن دوشنبه سیاه، رسالتی آسمانی^۱ بر

۱ - امام کاظم علیه السلام از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام، از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می‌نماید که آن حضرت

صلی الله علیه وآله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

عهده حضرت زهرا علیها السلام قرار گرفت و آن بانو علیها السلام، تحمل مصائب و رنج‌های حاصل از آن را با جان و دل، قبول فرمود.^۱
حضرت زهرا علیها السلام بر اساس این مأموریت الهی، «حمایت‌های گسترده و سرسختانه‌ای» را از حضرت علی علیه السلام، آغاز فرمودند^۲ که مجموع آن‌ها، فصل خونباری را در زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام پدید آورد؛ هر چند که اظهار شده:

يا علي! إني قد أوصيتُ فاطمةَ ابنتي بأشياءَ و أمرتها أن تلقِيها إليك فأنفِذها فهي الصادقةُ الصدوقه.

ای علی! من دخترم فاطمه را به انجام اموری سفارش کرده‌ام و به او امر کرده‌ام که آن‌ها را به تو برساند؛ پس آن‌ها را انجام بده که او (=فاطمه) همیشه راستگو و صادق است.

(الهجوم، ص ۳۷؛ به نقل از: الطرف، تألیف: سید بن طاووس - متوفای ۶۶۴، ص ۳۸، چاپ: نجف)

همچنین در حدیث شریف دیگری نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

أنفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ فَقَدْ أَمَرْتُهَا بِأَشْيَاءَ أَمَرَ بِهَا جَبْرَائِيلُ.

به آن‌چه فاطمه تو را امر می‌کند، عمل کن؛ چرا که من او را به انجام اموری امر کرده‌ام که جبرئیل بدان‌ها فرمان داده است.

(الهجوم، ص ۳۸؛ به نقل از: الطرف، ص ۳۰)

۲ - امام کاظم علیه السلام فرمودند:

وَاللَّهِ لَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَلَيْسَ قَدْ فَهِمْتُمَا مَا تَقَدَّمْتُ بِهِ إِلَيْكُمَا وَقَبِلْتُمَا؟ فَقَالَا: بَلَى وَصَبَرْنَا عَلَى مَا سَاءَ نَا وَغَاظَنَا.

به خدا سوگند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان و حضرت فاطمه علیهما السلام فرمود: آیا آن‌چه که شما را به انجام آن مأمور کردم،

فهمیدید و آن را پذیرفتید؟

آن دو گفتند: بله و بر آن‌چه ما را ناراحت و خشمگین می‌سازد، صبر می‌کنیم.

(الهجوم، ص ۴۱؛ به نقل از: الطرف، ص ۲۲)

۳ - حضرت زهرا علیها السلام در فرازی از خطبه فدک، در وصف عملکردهایشان می‌فرمایند:

«مبارزات فاطمه و فریاد دادخواهی و... تمامی این‌ها افسانه‌ای بیش نیست.»^۴

اهمیت و جایگاه منحصر به فرد این حمایت‌ها، آن‌گاه روشن‌تر می‌گردد که شرایط سیاسی و اجتماعی پیچیده‌ای که حضرت علی علیه‌السلام با آن مواجه بودند را بار دیگر مرور نماییم.^۵

در این نوشتار برآنیم تا «به ترتیب زمانی» بر «حمایت‌های حضرت زهرا علیهاالسلام از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام» نگاهی گذرا بیفکنیم تا از این رهگذر، با «جانفشانی‌های» حضرت صدیقه‌علیهاالسلام - در مسیر دفاع از حریم امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام - ، آشناگردیم.^۶

گفتار یکم

دورنمای حمایت‌های حضرت زهرا علیهاالسلام از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در هجوم اول

حمایت یکم:

وَاعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَاءً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا.

بدانید که من، فاطمه هستم و پدرم محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ این را پیاپی می‌گویم و آنچه می‌گویم، به خطا نمی‌گویم و آن چه انجام می‌دهم، به افراط انجام نمی‌دهم.

۴ - ایوب گنجی، فاطمه زهرا از خود دفاع می‌کند، ص ۱۶۸.

۵ - ر.ک: علی لباف، دانشنامه روابط سیاسی حضرت علی علیه‌السلام با خلفا، بخش یکم، ص ۲۴ - ۴۲.

۶ - تمامی نقل‌های مندرج در این کتاب، برگرفته از کتاب «دراسة و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه علیهاالسلام» می‌باشد.

تحصّن مخالفان ابوبکر در خانه فاطمه علیها السلام^۷

ابن ابی عاصم شیبانی (متوفای ۲۸۷) و احمد بن عبد العزیز جوهری (متوفای ۳۲۳) می نویسند:

إِنَّهُ حِينَ بُويعَ لِأَبِي بَكْرٍ - بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ - كَانَ عَلِيٌّ وَالزُّبَيْرُ يَدْخُلُونَ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَ يُشَاوِرُونَهَا وَ يَرْجِعُونَ فِي أَمْرِهِمْ. وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ الزُّبَيْرُ وَالْمِقْدَادُ يَخْتَلِفَانِ فِي جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ إِلَى عَلِيٍّ - وَ هُوَ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ - فَيَتَشَاوِرُونَ وَ يَتَرَجِعُونَ أُمُورَهُمْ...^۸

هنگامی که برای ابوبکر - پس از پیامبر خدا - بیعت گرفتند، علی و زبیر نزد فاطمه دختر رسول خدا می رفتند و با او مشورت می کردند و به کارشان باز می گشتند.^۹ و در روایتی آمده است: زبیر و مقداد به همراه گروهی از مردم به نزد علی - در حالی که او در خانه فاطمه بود - آمد و شد داشتند و با او به مشورت می پرداختند و در مورد کارشان با هم گفتگو می کردند.

حمایت دوم:

احتجاج با مهاجمین^{۱۰}

۷ - تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام (یعنی: مراجعه به خانه فاطمه علیها السلام به نشانه امتناع ورزیدن از انجام بیعت با ابوبکر) در روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه (دومین، سومین و چهارمین روز پس از رحلت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله) صورت پذیرفته است.

۸ - الهجوم، ص ۱۶۶؛ به نقل از: المذکر، ص ۴۱، چاپ: دارالصحابة للتراث؛ شرح حدیدی، ج ۲، ص ۴۵.

۹ - بنابراین: تحصّن به معنای حضور همیشگی مخالفان، در بیت فاطمه علیها السلام نمی باشد.

۱۰ - هجوم اول = هجوم منجر به شکست تحصّن، در روز جمعه (چهارمین روز پس از رحلت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله) صورت پذیرفته

علّامه ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸) و شیخ احمد طبرسی (متوفای قرن ۶) نقل می‌کنند:

وَ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَوَقَفَتْ خَلْفَ الْأَبَابِ، ثُمَّ قَالَتْ: لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ أَسْوَأَ مَحْضَرًا مِنْكُمْ، تَرَكْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ جِنَازَةً بَيْنَ أَيْدِينَا وَ قَطَعْتُمْ أَمْرَكُمْ فِي مَا بَيْنَكُمْ وَ لَمْ تُؤْمَرُوا وَ لَمْ تَرَوْا لَنَا حَقًّا كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ، وَ اللَّهُ لَقَدْ عَقَدَ لَهُ يَوْمَئِذٍ الْوَلَاءَ لِيَقْطَعَ مِنْكُمْ بِذَلِكَ مِنْهَا الرَّجَاءَ وَ لَكِنَّكُمْ قَطَعْتُمْ الْأَسْبَابَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ نَبِيِّكُمْ وَ اللَّهُ حَسِيبٌ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. ۱۱

و فاطمه دختر رسول خدا بیرون آمد و پشت درب ایستاد، سپس فرمود: من بدتر از شما گروهی را سراغ ندارم که در نبود افراد (= پیامبر صلی الله علیه و آله) احترام آن‌ها را پاس نمی‌دارند؛ جنازه [مطهر] رسول خدا را نزد ما رها کردید و کار خود را در بین خودتان بدون تردیدی قطعی ساختید و ما را امیر خویش قرار ندادید و برای ما حقی قائل نشدید. گویی شما آن‌چه [پیامبر] در روز غدیر خم فرموده بود را نمی‌دانستید.

به خدا سوگند! در آن روز پیمان ولایت را برای او گرفت تا امید شما را از آن ببرد، ولی شما واسطه‌های بین خود و پیامبرتان را جدا کردید و خدا میان ما و شما در دنیا و آخرت داوری می‌کند.

حمایت سوم:

است.

بیرون راندن مهاجمین از داخل خانه

یعقوبی (متوفای ۲۹۲) می‌نویسد:

وَبَلَغَ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ أَنَّ جَمَاعَةً مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ قَدْ اجْتَمَعُوا مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي مَنْزِلِ

فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَاتَوُوا فِي جَمَاعَةٍ حَتَّى هَجَمُوا الدَّارَ...

وَدَخَلُوا الدَّارَ فَخَرَجَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَتْ:

وَاللَّهِ لَتَخْرُجُنَّ أَوْ لَأَكْشِفَنَّ شَعْرِي وَلَأَعِجَنَّ إِلَى اللَّهِ.^{۱۲}

و به ابوبکر و عمر خبر رسید که گروهی از مهاجرین و انصار همراه با علی بن ابی‌طالب در منزل فاطمه دختر پیامبر خدا اجتماع کرده

اند. پس آن‌ها با گروهی [به نزد خانه حضرت زهرا علیها السلام] آمدند تا این که به خانه هجوم آوردند...

و وارد منزل شدند، پس فاطمه بیرون آمد و گفت:

به خدا سوگند! که یا از خانه‌ام بیرون می‌روید و یا من مویم را پریشان می‌کنم و به درگاه خدا ناله می‌زنم.

حمایت چهارم:

رها ساختن امیرمؤمنان علیه السلام از جنگال مهاجمین

ابن ابی‌الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶) می‌نویسد:

إِنَّهُ أَخَذَ السَّيْفَ مِنْ يَدِ الزُّبَيْرِ فَضْرَبَ بِهِ حَجْرًا فَكَسَرَهُ وَ سَاقَهُمْ كُلَّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَى أَبِي بَكْرٍ

فَحَمَلَهُمْ عَلِيٌّ بَيْعَتِهِ وَ لَمْ يَتَخَلَّفْ إِلَّا عَلِيٌّ وَ حُدَّهُ فَإِنَّهُ اعْتَصَمَ بَبَيْتِ فَاطِمَةَ^{۱۳} فَتَحَامَوْا إِخْرَاجَهُ مِنْهُ قَسْرًا
وَ قَامَتْ فَاطِمَةُ إِلَى بَابِ الْبَيْتِ فَاسْمَعَتْ مَنْ جَاءَ يَطْلُبُهُ فَتَفَرَّقُوا وَ عَلِمُوا أَنَّهُ بِمُفْرَدِهِ لَا يَضُرُّ شَيْئًا
فَتَرَكَوهُ^{۱۴}.

او شمشیر را از دست زبیر گرفت و به سنگی زد و آن را شکست و همه آنها (=متحصنین) را در پیش رویش حرکت داد و به نزد ابوبکر برد و آنها را مجبور به بیعت با او ساخت. و هیچ کس به جز علی، [از بیعت] سرپیچی نکرد؛ چرا که او به خانه فاطمه پناهنده شد و آنها از این که او را به زور و اکراه بیرون آورند، پرهیز نمودند. و فاطمه کنار درب خانه ایستاد و با افرادی که می‌خواستند علی را بگیرند، به درستی سخن گفت؛ پس آنها متفرق شدند و دانستند که او تنهاست و زبانی نمی‌رساند، پس او را رها کردند.

گفتار دوم

دورنمای حمایت‌های حضرت زهرا علیها السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام در فاصله هجوم اول تا هجوم اصلی

حمایت پنجم:

۱۳ - ابن میثم بحرانی در شرحش بر کتاب نهج البلاغه (جلد ۲، صفحه ۲۶) پس از اشاره به اخذ بیعت اجباری از متحصنین، می‌نویسد:

إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِعْتَصَمَ بِبَيْتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ عَلِمُوا أَنَّهُ مُفْرَدٌ فَتَرَكَوهُ.

علی به خانه فاطمه پناهنده شد و آنها دانستند که او تنهاست، پس او را رها کردند.

۱۴ - الهجوم، ص ۱۹۴ - ۱۹۵؛ به نقل از: شرح حدیدی، ج ۲، ص ۲۱.

ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) می‌نویسد:

خَرَجَ عَلِيٌّ يَحْمِلُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَى دَابَّةٍ لَيْلًا يَدُورُ [بِهَا] فِي مَجَالِسِ الْأَنْصَارِ تَسْأَلُهُمُ
النُّصْرَةَ، فَكَانُوا يَقُولُونَ:

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! قَدْ مَضَتْ بِيَعْتَنَا لِهَذَا الرَّجُلِ وَ لَوْ أَنَّ زَوْجَكَ وَ ابْنَ عَمِّكَ سَبَقَ إِلَيْنَا قَبْلَ أَبِي بَكْرٍ

مَا عَدَلْنَا بِهِ!

فَيَقُولُ عَلِيٌّ:

أَفَكُنْتُ أَدْعُ رَسُولَ اللَّهِ فِي بَيْتِهِ لَمْ أَدْفِنَهُ وَ أَخْرَجُ أَنْزَعُ النَّاسِ سُلْطَانَهُ؟!!

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: مَا صَنَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ وَ قَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسِبُهُمْ وَ طَالِبُهُمْ.^{۱۶}

علی شبانگاه - در حالی که فاطمه را بر چهارپایی سوار کرده بود - بیرون آمد و او را در محافل انصار می‌چرخاند و فاطمه از آنها

یاری می‌طلبید؛ اما آنها می‌گفتند:

ای دختر پیامبر خدا! بیعت ما برای این مرد (=ابوبکر) انجام شد و اگر همسر و پسر عموی تو، قبل از ابوبکر به نزد ما می‌شتافت، ما به

۱۵ - یاری خواستن‌های شبانه، در جمعه شب، شنبه شب و یک‌شنبه شب (شب‌های چهارمین، پنجمین و ششمین روز پس از رحلت خاتم

الانبیاء صلی الله علیه و آله) صورت پذیرفته است.

۱۶ - الهجوم، ص ۱۱۰؛ به نقل از: الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۹.

سوی ابوبکر مایل نمی شدیم!

پس علی می گفت: آیا من [جنازه] پیامبر خدا را در خانه اش رها می کردم و او را دفن نمی کردم و [از خانه] بیرون می آمدم تا با مردم بر

سر حکومتش کشمکش کنم؟!

پس فاطمه گفت: علی جز آن چه شایسته او بود انجام نداد و آن ها کاری کردند که خداوند از آن ها حساب خواهد کشید و در پی آن

هاست. ۱۷

* خاطر نشان می گردد که:

حضرت زهرا علیها السلام، در روزهای دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه (هفتمین، هشتمین و نهمین روز پس از رحلت خاتم

الانبیاء صلی الله علیه و آله) با مطالبه میراث و سهم ذی القربا به رسواسازی چهره نظام حاکم و دفاع از خلافت غضب شده امیرالمؤمنین

علیه السلام پرداختند.

ر.ک: درسنامه های فاطمیّه (تألیف: علی لبّاف)، بخش دوم، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

حمایت ششم:

۱۷ - سیری دقیق در حمایت های حضرت زهرا علیها السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام و نگاهی عمیق به مجموعه سخنان حضرت فاطمه

علیها السلام درباره حضرت علی علیه السلام - که یک نمونه از آن ها را در متن فوق ملاحظه نمودید - همگی حاکی از آن اند که: «نمی توان

پذیرفت که حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای خطابه فدک - با کلماتی که متضمن نوعی اعتراض و سرزنش بود، امیرالمؤمنین علی

علیه السلام را مخاطب قرار داده باشند.»

(ر.ک: استاد مسعود پور سید آقایی: با جاری کوثر، ص ۱۳۷ - ۱۳۸)

دعوت به جهاد مسلحانه در خطبه فدکیه^{۱۸}

ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶) نقل می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام در فرازی از خطابه خویش، روی به سوی انصار فرموده و ندا سر دادند:

أَفْتَأَخَّرْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الشِّدَّةِ وَ جُبُنْتُمْ بَعْدَ الشَّجَاعَةِ عَنِ قَوْمٍ نَكَّسُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ».^{۱۹}

آیا پس از پیش رفتن، عقب آمدید و پس از توانایی، خودداری کردید و پس از دلیری، از گروهی که قسم‌هایشان را پس از پیمان‌شان شکستند و در دین شما طعنه وارد می‌کنند، ترسیدید. «پس با پیشوایان کفر بجنگید؛ چرا که سوگندی برای آن‌ها نیست؛ باشد که دست بردارند».

گفتار سوم

دورنمای حمایت‌های حضرت زهرا علیها السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام در حادثه خون‌بار هجوم اصلی

حمایت هفتم:

احتجاج با مهاجمین^{۲۰}

۱۸ - خطابه فاطمی، در روز پنج‌شنبه (دهمین روز پس از رحلت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله) صورت پذیرفته است.

۱۹ - الهجوم، ص ۴۰۷؛ به نقل از: شرح حدیدی، ج ۱۶، ص ۲۱۱ - ۲۱۳، ۲۴۹ - ۲۵۱.

۲۰ - هجوم اصلی به بیت فاطمه علیها السلام، در روزهای پایانی سومین هفته خلافت ابوبکر صورت پذیرفته است.

علّامه ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸) - از نامه عمر بن خطاب - نقل می‌کند:

فَخَرَجَتْ فَاطِمَةُ فَوَقَفَتْ مِنْ وَرَاءِ الْبَابِ فَقَالَتْ: أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ! مَاذَا تَقُولُونَ؟ وَ أَىُّ شَيْءٍ

تُرِيدُونَ؟

فَقُلْتُ: يَا فَاطِمَةَ!

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: مَا تَشَاءُ يَا عُمَرُ؟!

فَقُلْتُ: مَا بَالُ ابْنِ عَمِّكَ قَدْ أُوْرِدَكَ لِلْجَوَابِ وَ جَلَسَ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ؟

فَقَالَتْ لِي: طُغْيَانُكَ - يَا شَقِيٌّ! - أَخْرَجَنِي وَ أَلْزَمَكَ الْحُجَّةَ وَ كُلَّ ضَالٍّ غَوِيٍّ.

فَقُلْتُ: دَعَى عَنكَ الْأَبَاطِيلَ وَ أَسَاطِيرَ النِّسَاءِ وَ قَوْلِي لِعَلِّيَّ يَخْرُجُ.

فَقَالَتْ: لَا حُبَّ وَ لَا كَرَامَةَ أَوْ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ تُخَوِّفُنِي يَا عُمَرُ؟! وَ كَانَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ضَعِيفًا...^{۲۱}

پس فاطمه بیرون آمد و پشت درب ایستاد و گفت: ای گمراهانِ تکذیب‌کننده! چه می‌گویید؟ و چه می‌خواهید؟

گفتم: ای فاطمه!

فاطمه گفت: ای عمر! چه می‌خواهی؟!

گفتم: چرا پسر عمویت تو را برای جواب دادن حاضر کرده و خودش داخل خانه نشسته است؟

۲۱ - الهجوم، ص ۲۸۴-۲۸۶؛ به نقل از: مثالب النواصب (نسخه خطی هندی)، ص ۳۷۱-۳۷۴ و ص ۴۱۸-۴۱۹.

او به من گفت: ای نگون بخت! سرکشی تو مرا بیرون آورده و [بیرون آمدن من،] حجّت را بر تو و بر هر گمراه سرگشته‌ای تمام کرده است.

گفتم: سخنان باطل و پندارهای افسانه‌ای زنان را رها کن و به علی بگو بیرون آید.

گفت: به هیچ وجه چنین نخواهم کرد.

ای عمر! آیا با حزب شیطان مرا می‌ترسانی؟! در حالی که حزب شیطان ضعیف است...

حمایت هشتم:

مقاومت در برابر ورود مهاجمین به داخل خانه

شیخ احمد طبرسی (متوفای قرن ۶) و عماد الدین طبری (متوفای قرن ۷) از کتاب سلیم (متوفای ۷۶ یا ۹۰) از سلمان فارسی نقل می‌کنند:

... ثُمَّ أَمَرَ أَنَسًا حَوْلَهُ بِتَخْصِيلِ الْحَطَبِ وَ حَمَلُوا الْحَطَبَ وَ حَمَلَ مَعَهُمْ عُمَرُ فَجَعَلُوهُ حَوْلَ مَنْزِلِ عَلِيٍّ -

وَ فِيهِ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهُمَا - ثُمَّ نَادَى عُمَرُ - حَتَّى أَسْمَعَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ - :

وَ اللَّهُ لَتَخْرُجَنَّ - يَا عَلِيُّ! - وَ لَتُبَايَعَنَّ خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِلَّا أَضْرَمْتُ عَلَيْكَ النَّارَ.

فَقَامَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَتْ: يَا عُمَرُ! مَا لَنَا وَ لَكَ؟

فَقَالَ: إِفْتَحِي الْبَابَ وَ إِلَّا أَحْرَقْنَا عَلَيْكُمْ بَيْتَكُمْ.

فَقَالَتْ: يَا عُمَرُ! أَمَا تَتَّقِي اللَّهَ تَدْخُلُ عَلَيَّ بَيْتِي؟

فَأَبَى أَنْ يَنْصَرِفَ وَ دَعَا عُمَرَ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ ثُمَّ دَفَعَهُ فَدَخَلَ فَاسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ وَ صَاحَتْ:

يا أبتاه! يا رسول الله!

فَرَفَعَ عُمَرَ السَّيْفَ وَ هُوَ فِي غَمْدِهِ فَوَجَّأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ: يا أبتاه! فَرَفَعَ السَّوْطَ فَضَرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا

فَنَادَتْ:

يا رسول الله! لَبِئْسَ مَا خَلَّفَكَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ...^{۲۲}

... سپس به افرادی که دورش بودند دستور داد که هیزم بیاورند و هیزم را برداشتند و عمر نیز هیزم برداشت. پس آن‌ها را دور خانه علی گذاشتند - در حالی که علی و فاطمه و دو پسرش در خانه بودند - سپس عمر به صورتی که علی و فاطمه صدایش را بشنوند، ندا در داد: ای علی! به خدا سوگند! یا بیرون می‌آیی و با خلیفه پیامبر خدا بیعت می‌کنی و یا خانه را بر تو به آتش می‌کشم.

پس فاطمه برخاست و گفت: ای عمر! ما را با تو چه کار است؟

عمر گفت: درب را باز کن و گرنه خانه‌تان را بر شما به آتش می‌کشم.

فاطمه گفت: ای عمر! از خدا نمی‌ترسی، آیا داخل خانه من می‌شوی؟

پس عمر از این که بازگردد خودداری کرد و آتش طلب کرد و درب خانه را به آتش کشید؛ سپس آن را هل داد.

پس فاطمه جلوی او ایستاد و فریاد زد:

پدر جان! ای پیامبر خدا!

پس عمر شمشیر را - در حالی که در غلافش بود - بلند کرد و به پهلوی او زد؛ او فریاد کشید: پدر جان!

عمر شلاق را بلند کرد و به بازوی او زد؛ او ناله کرد:

ای پیامبر خدا! ابوبکر و عمر، چقدر بد [دستورهای] تو را پشت سرشان انداختند...

همچنین، ابن عباس ماجرای فوق را برای سلیم، چنین نقل می‌نماید:

... فَوَثَبَ عُمَرُ غَضْبَانَ فَنَادَى خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ وَ قُنْفُذًا فَأَمَرَهُمَا أَنْ يَحْمِلَا حَطْبًا وَ نَارًا ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى

انْتَهَى إِلَى بَابِ عَلِيٍّ - وَ فَاطِمَةَ قَاعِدَةً خَلْفَ الْبَابِ... - فَأَقْبَلَ عُمَرُ حَتَّى ضَرَبَ الْبَابَ ثُمَّ نَادَى: يَا بَنَ

أَبِي طَالِبٍ! افْتَحِ الْبَابَ.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: يَا عُمَرُ! مَا لَنَا وَ لَكَ لَا تَدْعُنَا وَ مَا نَحْنُ فِيهِ؟

قَالَ: افْتَحِي الْبَابَ وَ إِنَّا أَحْرَقْنَا عَلَيْكُمْ.

فَقَالَتْ: يَا عُمَرُ! أَمَا تَتَّقِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ تَدْخُلُ عَلَيَّ بَيْتِي وَ تَهْجُمُ عَلَيَّ دَارِي؟

فَأَبَى أَنْ يَنْصَرِفَ ثُمَّ عَادَ عُمَرُ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ فَأَحْرَقَ الْبَابَ ثُمَّ دَفَعَهُ عُمَرُ فَاسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ

وَ صَاحَتْ:

يَا أَبَتَاهُ! يَا رَسُولَ اللَّهِ!

فَرَفَعَ السَّيْفَ وَ هُوَ فِي غِمْدِهِ فَوَجَأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ فَرَفَعَ السَّوْطَ فَضَرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا فَصَاحَتْ: يَا

پس عمر خشمگین برخاست و خالد بن ولید و قنفذ را صدا زد و به آنها دستور داد که هیزم و آتش بیاورند.

سپس راه افتاد تا به درب خانه علی رسید - در حالی که فاطمه پشت درب نشسته بود - ... ، پس عمر جلو آمد و به درب کوبید و فریاد کشید: ای فرزند ابوطالب! درب را باز کن.

فاطمه گفت: ای عمر! ما را با تو چه کاری است که ما را - در شرایطی که در آن هستیم - به حال خود رها نمی‌کنی؟ گفت: درب را باز کن و گرنه [خانه را] بر شما به آتش می‌کشیم.

فاطمه گفت: ای عمر! آیا از خدای عزوجل نمی‌ترسی؟ [می‌خواهی] به خانه من داخل شوی و بر منزل من هجوم آوری؟

ولی عمر از این که بازگردد خودداری کرد، پس با آتش بازگشت و آن را بر درب [خانه حضرت زهرا علیها السلام] افروخت.

درب سوخت، آن‌گاه عمر آن را هل داد. پس فاطمه جلوی او ایستاد و فریاد کشید: پدر جان! ای رسول خدا! عمر شمشیر را - در حالی که در غلافش بود - بلند کرد و به پهلوی او زد. او فریاد کشید، پس عمر شلاق را بلند کرد و به بازوی او زد.

او با صدای بلند گفت: پدر جان!

یحیی بن الحسین زیدی یمنی (متوفای ۲۹۸) می‌نویسد:

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ لِعُمَرَ: إِنَّهُضْ فِي جَمَاعَةٍ وَ كَسِّرْ بَابَ هَذَا الرَّجُلِ وَ جِئْنَا بِهِ [كَيْ] يَدْخُلَ فِي مَا دَخَلَ فِيهِ

النَّاسُ فَنهَضَ عُمَرُ وَ مَنْ مَعَهُ إِلَى بَابِ عَلِيٍّ فَدَقُّوا الْبَابَ فَدَافَعَتْهُ فَاطِمَةُ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا -

فَدَفَعَهَا وَطَرَحَهَا...^{۲۴}

پس ابوبکر به عمر گفت: با گروهی برخیز و درب خانه این مرد را بشکن و او را نزد ما بیاور تا در آنچه مردم در آن وارد شده‌اند (=بیعت با ابوبکر) وارد شود.

پس عمر و کسانی که با او بودند برخاستند و نزد درب خانه علی رفتند و به درب کوبیدند. اما فاطمه - که درود خدا بر او باد - جلوی عمر را گرفت، پس او فاطمه را هُل داد و [به سوی] پرت کرد...

علّامه ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸) - از نامه عمر بن خطاب - نقل می‌کند:

فَضْرَبَتْ فَاطِمَةَ يَدَيْهَا مِنْ الْبَابِ تَمْنَعْنِي مِنْ فَتْحِهِ فَتَصَعَّبَ عَلَيَّ فَضْرَبْتُ كَفَّيْهَا بِالسَّوْطِ فَأَلَمَّهَا

فَسَمِعْتُ لَهَا زَفِيرًا وَبُكَاءً... فَرَكَكْتُ الْبَابَ وَ قَدْ أَلْصَقَتْ أَحْشَاءَهَا بِالْبَابِ تَتَرُسُهُ وَ سَمِعْتُهَا وَ قَدْ

صَرَخَتْ صَرْخَةً... فَدَفَعْتُ الْبَابَ وَ دَخَلْتُ...^{۲۵}

پس فاطمه دو دستش را به درب زد و مرا از باز کردنِ درب بازداشت؛ پس [باز کردنِ درب] بر من سخت شد، پس با شلاق بر دو دستش زدم.

[آن ضربه] او را به درد آورد و من صدای فریاد و گریه او را شنیدم... پس به درب کوبیدم در حالی که او بدنش را به درب چسبانیده بود و آن را سیر خودش قرار داده بود.

۲۴ - الهجوم، ص ۲۳۹؛ به نقل از: تنبیت الإمامه، ص ۱۵ - ۱۷.

۲۵ - الهجوم، ص ۲۸۴-۲۸۶؛ به نقل از: مثالب النواصب (نسخه خطی هندی)، ص ۳۷۱-۳۷۴ و ص ۴۱۸-۴۱۹.

و من شنیدم که فریادی بلند کشید... پس درب را هُل دادم و وارد شدم...

حمایت نهم:

مقاومت در برابر بیرون کشاندن امیرمؤمنان علیه السلام از خانه

شیخ احمد طبرسی (متوفای قرن ۶) و عماد الدین طبری (متوفای قرن ۷) از کتاب سلیم (متوفای ۷۶ یا ۹۰) از سلمان فارسی نقل می

کنند:

... فَأَلْقَوْا فِي عُنُقِهِ حَبْلًا وَ حَالَتْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَهُ فَاطِمَةُ عِنْدَ بَابِ الْبَيْتِ، فَضَرَبَهَا قُنْفُذٌ بِالسَّوْطِ...

پس در گردش طنابی انداختند و فاطمه کنار درب، بین آن‌ها و علی ایستاد و جدایی افکند. پس قنفذ با شلاق بر او زد...

همچنین در ادامه همین نقل می‌خوانیم:

... وَ قَدْ كَانَ قُنْفُذٌ... ضَرَبَ فَاطِمَةَ بِالسَّوْطِ حِينَ حَالَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجِهَا وَ أُرْسِلَ إِلَيْهِ عُمَرُ: إِنَّ

حَالَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فَاطِمَةُ فَاضْرِبْهَا فَأَلْجَأَهَا قُنْفُذٌ إِلَى عِضَادَةِ بَيْتِهَا وَ دَفَعَهَا فَكَسَرَ ضِلْعَهَا مِنْ جَنْبِهَا

فَأَلْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةَ فِرَاشٍ حَتَّى مَاتَتْ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا - مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً...^{۲۶}

هنگامی که فاطمه بین قنفذ و همسر خود ایستاده و جدایی انداخته بود، قنفذ او را زد؛ چرا که عمر برایش پیغام فرستاده بود: اگر فاطمه

بین تو و علی جدایی انداخت او را بزَن.

پس قنفذ او را به گوشه خانه‌اش انداخت و او را هُل داد و به همین خاطر، استخوان پهلویش شکست و جنینی را از بطن خود سقط کرد

و او - که درود خدا بر او باد - [پس از این ماجرا] زمین گیر شد، تا این که به شهادت از دنیا رفت.

حمایت دهم:

رها ساختن امیرالمؤمنین علیه السلام از چنگال خلیفه^{۲۷}

علامه ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸) از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

لَمَّا اسْتُخْرِجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - مِنْ مَنْزِلِهِ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ وَالْهَيْئَةُ، فَمَا بَقِيَتْ هَاشِمِيَّةٌ إِلَّا خَرَجَتْ مَعَهَا حَتَّى انْتَهَتْ قَرِيباً مِنَ الْقَبْرِ فَقَالَتْ:

خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّي فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَ لَأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ - الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ حِينَ خَرَجَتْ نَفْسُهُ - عَلَى رَأْسِي وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ

تَعَالَى...^{۲۸}

هنگامی که امیرمؤمنان - که درود خدا بر او باد - از خانه‌اش [به زور] بیرون آورده شد، فاطمه پریشان حال بیرون آمد.

پس هیچ زنی از بنی‌هاشم نماند مگر این که با او بیرون آمد، تا این که به نزدیکی قبر [پیامبر صلی الله علیه و آله] رسید و گفت:

پسر عمویم را رها کنید که به خدایی که محمد را به حق برانگیخت، اگر او را رها نکنید، مویم را پریشان می‌کنم و لباسی که پیامبر در

هنگام جان دادن به تن داشت را بر سرم می‌افکنم [و برای نفرین شما] به سوی خدای تبارک و تعالی شیون [و ناله] می‌زنم...

۲۷ - ر.ک: دانشنامه روابط سیاسی حضرت علی علیه السلام با خلفا (تألیف: علی لباف)، بخش دوم، ص ۵۵ - ۶۷، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

۲۸ - الهجوم، ص ۲۴۱؛ به نقل از: مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۹ - ۳۴۰.

روز شمار حوادث فاطمیّه

- ۰) دوشنبه: رحلت جانگداز خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله - تشکیل سقیفه بنی ساعده و غضب خلافت.
- ۱) سه‌شنبه: اخذ بیعت اجباری از ساکنین مدینه (بیعت عمومی) - احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام درباره خلافت در مسجد النبی و مراجعه به منزل - تدفین غریبانه خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله در نیمه شب.
- ۲) چهارشنبه: اولین روز از ایام جمع‌آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام - اولین روز از ایام تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام.
- ۳) پنج‌شنبه: دومین روز از ایام جمع‌آوری قرآن - دومین روز از ایام تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام.
- ۴) جمعه: سومین روز از ایام جمع‌آوری قرآن - سومین روز از ایام تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام - هجوم اول (=هجوم منجر به شکست تحصّن) - اولین نوبت از استنصارهای شبانه.
- ۵) شنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - دومین نوبت از استنصارهای شبانه.
- ۶) یک‌شنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - سومین نوبت از استنصارهای شبانه.
- ۷) دوشنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - بی‌وفایی صحابه در یاری رساندن به امیرالمؤمنین علیه السلام - عرضه قرآن توسط امیرالمؤمنین علیه السلام و ایراد خطبه "وسیله".
- ۸) سه‌شنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام.
- ۹) چهارشنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام.
- ۱۰) پنج‌شنبه: خطابه فاطمی در مسجد النبی.
- ۱۱) جمعه: سخنرانی دوازده نفر از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد النبی و احتجاج آن‌ها با ابوبکر درباره خلافت پس از کسب اجازه از امیرالمؤمنین علیه السلام.

(۱۲) شنبه: ایام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.

(۱۳) یکشنبه: ایام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.

(۱۴) دوشنبه: ایام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.

(۱۵) سه‌شنبه: تثبیت دوباره پایه‌های حکومت ابوبکر توسط عناصر مسلح کودتا - اخراج کارگزاران حضرت زهرا علیها السلام از فدک.

(۱۶) چهارشنبه: رسیدن خبر غصب فدک به صدیقه طاهره علیها السلام در مدینه.

(۱۷) پنجشنبه: ایام مطالبه فدک.

(۱۸) جمعه: ایام مطالبه فدک.

(۱۹) شنبه: ایام مطالبه فدک.

(۲۰) یکشنبه: ایام مطالبه فدک - احتمال وقوع هجوم اصلی (یعنی: دومین هجوم به بیت فاطمه علیها السلام) در این روز یا پس از آن، که

این حمله، ضرب و جرح حضرت زهرا علیها السلام و سوزاندن در خانه ایشان را در پی داشت.

(۲۱) دوشنبه: احتمال وقوع هجوم اصلی در این روز یا پس از آن.